



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۳۴

زندگینامه و
تحولات
فرهنگی و علمی
بانوی
دانشمند گستر

بدر الزمان
فریب



134

Society for the Appreciation of
Cultural Works and Dignitaries

Biography & Academic Life of Dr. **B.Gharib**

ISBN 964528244-6



9 789645 282446

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر بدرالزمان قریب انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

عنوان و نام پدیدآور	زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر بدرالزمان قریب/ ویراستار امید قنبری.
مشخصات نشر	تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۹۳ ص. مصور (رنگی).
فروست	سلسله انتشارات و مجموعه زندگی‌نامه‌ها؛ ۱۳۴/۵۶۷.
شابک	۱۰۰۰۰۰ ریال ۶-۲۴۴-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸؛
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا.
موضوع	قریب، بدرالزمان ۱۳۰۸ - - سرگذشت‌نامه
موضوع	مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴ ق.
شناسه افزوده	انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
رده‌بندی کنگره	۵۶۷/۱۳۴. ۱۳۹۳.
رده‌بندی دیوبی	
شماره کتاب‌شناسی ملی	

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی
دکتر بدرالزمان قریب



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران - آذرماه ۱۳۹۳

سلسله انتشارات و مجموعه زندگي نامه ها
۵۶۷/۱۳۴

زندگي نامه و خدمات علمي و فرهنگي دکتر بدرالزمان قريب

● ويرواستار: اميد قنبري ● حروفچيني و صفحه آرايي: طيبه باقري ● ناظر فني چاپ:

کيانوش بيرونوند ● ليتوگرافي چاپ و صحافي: هفت نقش ● نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

● شمارگان: ۱۰۰۰ جلد ● قيمت: ۱۰۰۰۰ تومان ● همه حقوق چاپ محفوظ است.

● ISBN: 978-964-528-244-6

● شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۸-۲۴۴-۶



انجمن آثار و معارف فرهنگي

خيابان ولي عصر - پل اميربهادر - خيابان سرگرد بشيري

شماره ۷۱

تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار.....	محمد رضا نصیری
۱۳	کارنامهٔ باستان.....	
۲۵	گفت‌وگو با دکتر بدرالزمان قریب.....	
۷۳	بدرِ سغدیانه.....	یدالله ثمره
۸۱	نوروز.....	بدرالزمان قریب
۱۰۱	ایزدبانوی دانش.....	زهره زرشناس
۱۰۷	رستم در روایات سغدی.....	بدرالزمان قریب
۱۲۱	بازشناخت پیوند چند واژه در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی با ایزدبانوی بزرگِ کالی... کالی.....	لیلا عسگری

- ۱۳۷..... رعایت کردن «دیگری»
آرزو رسولی (طالقان)
- ۱۳۹..... غبارروبی از زبان‌های گمشده
حوریه سعیدی
- ۱۴۱..... اشعاری از دکتر بدرالزمان قریب
- ۱۴۷..... سال‌شمار علمی دکتر بدرالزمان قریب
- ۱۶۳..... عکس‌ها

پیش‌گفتار به نام خداوند جان و خرد

فُرَاتِ علمیِ هر جایگه کجا، بروی
نسیمِ جودیِ هر جایگه کجا، بوژی
جز این دعائِ نگویم که رودکی گفته است
هزار سال بزی، صد هزار سال بزی

با بانوی خندان

استاد دکتر بدرالزمان قریب را من از نوشته‌های تحقیقی ایشان شناختم. در آن زمان‌ها این بانوی فرهیخته اندیشمند را تنها متخصص زبان‌های باستان می‌دانستم و از چند و چون زندگی ایشان اطلاعی نداشتم. بعدها در محافل علمی وی را زیارت کردم. نجابت، سخاوت، انسان‌دوستی و بزرگ‌منشی این بانوی بزرگوار همیشه خندان مرا جلب کرد و در حیرت فرو بُرد، آن‌گاه که استادان صاحب‌نام و فرزندگان طالب علم، پروانه‌وار به دورش حلقه

می‌زدند و به فراخور حال رسم ادب بجا می‌آوردند. با گذشت روزگار، افتخار آشنایی از نزدیک با ایشان نصیب شد. این آشنایی در فرهنگستان رخ داد، آن زمان که به عضویت پیوسته فرهنگستان درآمدند و در مسند مدیریت گروه گویش‌های ایرانی به کارهای علمی می‌پرداختند و من نیز به مقتضای کار اجرایی به خدمت ایشان می‌رسیدم. این احساس نزدیکی و چندین سفر که در خدمت ایشان بودم، پیوند ارادت تنگ‌تر شد و از آن روز تا به امروز ارادت همچنان باقی است. این بانوی مهربان و پراحساس در حوزه تحقیق محقق است دقیق، جدی و صاحب‌نظر و از آن روست که هرکس با وی روبه‌رو می‌شود، از یک سوی از سجایای اخلاقی و منش انسانی وی شگفت‌زده می‌شود و از سوی دیگر از عمق اطلاعات وی متعجب. و اینگونه است که هر انسانی با یک دیدار شیفته وی می‌شود.

بانوی فرهیخته ما، در سال ۱۳۰۸ ش. در تهران به دنیا آمد. خانواده قریب، همه عالمان علم و دین بودند و بدرالزمان نیز به تبع سایر افراد خانواده به تحصیل رو آورد و با جدیت تمام دوران تحصیل را به پایان رسانید و دیپلم طبیعی خود را از مدرسه نوربخش گرفت، به دلیل بیماری چشم مدتی از تحصیل بازماند. پس از مداوای چشم، رشته ادبی را دنبال کرد؛ درسی که مورد علاقه ایشان بود و پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی وارد دانشکده ادبیات فارسی شد. بدرالزمان از زمره دانشجویان موفق بود که توانست محضر استادانی چون: استاد جلال‌الدین همایی، استاد ابراهیم پورداوود، دکتر صادق کیا، دکتر محمد معین، دکتر ذبیح‌الله

صفا، دکتر پرویز ناتل خانلری، استاد مدرس رضوی، دکتر احسان یارشاطر، دکتر محمد مقدم و سایر استادان صاحب نام آن دوره را درک کند. با دریافت مدرک لیسانس (در سال ۱۳۳۸) راهی امریکا شد و در دانشگاه پنسیلوانیا ثبت نام کرد و در پیش مارک درسدن زبان سغدی را آموخت و پیش استادانی دیگر همچون: پروفیسور نورمن براون و پروفیسور والدز و جرج کامرون و پروفیسور هنینگ در زمینه زبان سانسکریت و آواشناسی و زبان‌شناسی هندواروپایی تلمذ کرد و این چنین بود که این بانوی گرامی، در سال ۱۳۴۴ در دانشگاه پنسیلوانیا با راهنمایی پروفیسور مارک درسدن از رسالهٔ دکتر خود تحت عنوان «تحلیل ساختاری نظام فعل در زبان سغدی» دفاع نمود. عشق به وطن و سرزمین نیاکان، سبب شد که دکتر بدرالزمان قریب با توشهٔ انبوه علمی راهی ایران شود تا آنچه آموخته است در اختیار دانشجویان طالب علم قرار دهد. پس از ورود به ایران با رتبهٔ استادیاری در دانشگاه شیراز مشغول به کار شد و به تدریس زبان‌های باستانی پرداخت. دکتر قریب که خود را وقف کسب دانش کرده بود و تلاش می‌کرد از آخرین دستاوردهای علمی حوزهٔ زبان‌های باستانی آگاهی یابد، با استفاده از فرصت مطالعاتی راهی امریکا شد و در دانشگاه یوتا به تدریس پرداخت و در دانشگاه هاروارد پژوهش کرد و پس از بازگشت به ایران به دانشگاه تهران منتقل شد. حضور وی در دانشگاه تهران توفیقی برای دانشجویان زبان‌های باستانی و علاقه‌مندان به زبان سغدی بود که به آسانی از محضر این بانوی دانشمند بهره‌گیرند که امروزه هر یک در زمرهٔ مفاخر این سرزمین هستند. استاد ما گرچه همواره در

پی کسب دانش در زمینه تاریخ و فرهنگ و زبان‌های باستانی بود اما روح لطیف وی در قالب واژه‌های زبان‌های فراموش شده نمی‌گنجید. دکتر قریب با حس لطیفی که دارد جهان را از دریچه دیگر می‌نگرد. به طبیعت عشق می‌ورزید، دشت، کوه، سبزه و نوروز برای وی مفهومی خاص دارد و شعر زیر حاصل همین نگرش است:

نوروز سر رسید و به گل رنگ و آب داد
سنبل به بوی عید سر زلف تاب داد

در کوه بیستون میراث پُربهای ایران را می‌بیند و همواره در
چیستانِ گم‌شده تاریخ به دنبال گره‌گشاییِ معماهای تاریخ است:

میراث پُربهای کهن ایران
تاریخ نقش‌بسته به سنگستان
ای یادگار خوب پدرهامان
نقشی به سینه داری از آن دوران

گرچه نشانه‌های پُر از رمزت
آماج فتنه‌ها شد و یغماها
در چیستانِ گم‌شده تاریخ
گشتی گره‌گشای معماها

فروتنی خانم دکتر قریب مثال‌زدنی است. هرگز ندیدم که لب به شکایت گشاید. همواره خنده بر لب دارد. در جهان‌بینی این بانوی آزاده، پیر و بُرنا، یکسان است، همه عزیزند، همه را دوست دارد. کینه‌ای به دل راه نمی‌دهد، ساده‌زیستی از صفات بارز اوست، از تنگ‌نظری‌ها، حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها که رسم روزگار ماست به دور است. عشق به ایران و تلاش بی‌وقفه وی در جهت کشف نکات تاریک تاریخ ایران باستان از این بانوی گرامی چهره‌ای ستودنی ساخته است. محافل علمی زمان زمان به تکریم وی برخاسته و بزرگداشت‌ها گرفته‌اند که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

در سال ۱۳۷۷ از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ و در سال ۱۳۸۱ از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار برگزیده شد.

خانم دکتر قریب به سبب خدمات شایسته‌ای که به فرهنگ ایران‌زمین کرده‌اند، سرانجام در سال ۱۳۷۷ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی پذیرفته شدند و به قول نظامی گنجوی:

تو پنداری که تو کم قدر داری؟
تویی تو کز دو عالم صدر داری

پس از پیوستن به فرهنگستان زبان در سال ۱۳۷۸ به مدیریت گروه گویش‌های ایرانی انتخاب شدند و سال‌ها این وظیفه را

برعهده داشتند؛ همچنین به دلیل تخصص و دانش کم‌نظیری که دارند به عضویت انجمن‌های علمی چون: انجمن آسیایی پاریس؛ انجمن بین‌المللی دست‌نوشته‌ها و کتیبه‌های ایرانی و انجمن ایران‌شناسان اروپایی پذیرفته شدند.

استاد، در سال ۱۳۷۴ به مناسبت تألیف فرهنگ سغدی جایزه کتاب سال را از آن خود کردند و نیز با همکاری استاد دکتر یدالله ثمره کتاب زبان‌های خاموش را تألیف کردند که در سال ۱۳۸۶ ش. به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

برای خانم دکتر بدرالزمان قریب جشن‌نامه‌ای از طرف صاحب‌نظران و دوستان وی تنظیم شده است که در سال ۱۳۸۷ به همت انتشارات طهوری به چاپ رسیده است.

این بانوی گرامی دست از مطالعه برنداشته و با تلاش بی‌وقفه در توسعه دانش خود می‌کوشد و اکنون در حال بازنگری فرهنگ سغدی است.

«انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» امیدوار است تلاش‌ها و کوشش‌های این بانوی دانشمند گرانمایه الگویی برای جوانان فرهیخته کهن‌سرزمین ایران باشد.

محمدرضا نصیری
قائم‌مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
آذرماه ۱۳۹۳

کارنامهٔ باستان (گفت‌وگو با دکتر بدرالزمان قریب)

در اسفندماه ۱۳۸۹ انجمن زنان پژوهشگر تاریخ بر آن شد که با استاد بزرگوار تاریخ ایران، دکتر بدرالزمان قریب گفت‌وگویی انجام دهد. دکتر قریب با روی خوش و فروتنی مثال‌زدنی خود خواستهٔ انجمن را پاسخ داد. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگویی است که نشان می‌دهد هنوز نسل استادان دانش‌گستر، اصیل، فروتن و میهن‌دوست ایرانی پُر بار است.

- خانم دکتر قریب، ضمن تشکر از قبول دعوت انجمن برای گفت‌وگو، خواهشمندم تاریخچه‌ای از زندگی خانوادگی‌تان را بیان فرمایید؟

- در سال ۱۳۰۸ در تهران متولد شدم. پس از اتمام دوران تحصیل در رشته طبیعی، در جایگاه نفر اول، وارد دانشگاه تهران شدم، اما برخلاف انتظار، علاقه‌مند به ادامه تحصیل در رشته ادبی گردیدم. پس از اخذ لیسانس ادبیات باز هم با رتبه اول، بلافاصله وارد دوره دکتری شدم و پس از گرفتن بورس از امریکا، سرانجام

با دریافت مدرک دکتری و با عنوان استادیار در دانشگاه شیراز مشغول به کار گردیدم. سپس به رتبه دانشیاری رسیدم و به دانشگاه تهران منتقل شدم و نزدیک به سی سال عهده‌دار تدریس زبان‌های ایران باستان و میانه در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بودم. در حال حاضر با رتبه استادی از دانشگاه تهران بازنشسته شده و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و مدیر گروه گویش‌شناسی و زبان‌های ایرانی و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف اسلامی و همچنین عضو افتخاری انجمن ایران‌شناسی اروپا هستم.

- علت تغییر مسیر مطالعاتی شما از پزشکی به ادبیات فارسی بر اساس علاقه بود یا انگیزه‌ای شما را به این سمت سوق داد؟
- در ابتدا قصد داشتم در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهم. اما کم‌کم علاقه‌مند به مطالعه ادبیات شدم. دلیل اصلی آن این بود که چند سالی پس از اخذ مدرک دیپلم به جهت بیماری چشم، در ادامه تحصیل من وقفه‌ای ایجاد شد و این وقفه مرا به سمت علاقه‌ام کشاند، علاقه‌ای که از قبل به ادبیات داشتم. من از کودکی شعر می‌گفتم و حتی قادر بودم با افرادی که بسیار بزرگ‌تر از من بودند، به راحتی مشاعره کنم.

- ادامه تحصیل در امریکا بر چه اساس صورت پذیرفت؟
- بهترین جایی که می‌شد ادبیات فارسی را مطالعه کرد، مسلماً در همین ایران بود. اساتید درجه اول از جمله استاد فروزانفر و

دکتر معین از هر حیث بهترین بودند. در حین گرفتن لیسانس، مدارک جدیدی از زبان‌های باستانی ایرانی هم کشف گردید که برایم بسیار جذاب شد که آن را ببینم. دو سال اول اقامت در امریکا بسیار سخت گذشت، تنهایی و غربت برایم نامطبوع بود، اما بسیار مقاومت کردم تا ظرف مدت دو سال توانستم فوق‌لیسانس بگیرم.

- «مجموعه فرهنگ سغدی» که به شکلی پایان‌نامه شما بوده و به سه زبان هم چاپ شده است، حدوداً ۲۰ سال وقت برده است. برای اجرای اینچنین کاری، چه نیازی در ذهن شما به وجود آمده بود؟

- البته در ضمن این ۲۰ سال، من تدریس هم می‌کردم و در کنار تدریس به نگارش رساله می‌پرداختم و مدارکی را جمع‌آوری می‌کردم. متن، واژه‌نامه، دستور و هیچ نوع مدرکی از این زبان نداشتیم، هرچند قبلاً استاد پورداوود بر زبان‌های باستان کار کرده بودند و حتی خودِ زرتشتی‌ها طی ۲ قرن سابقه کار روی خطوط پهلوی را داشتند، اما به شکلی جدی بر آن کار نشده بود. این کشفیات جدید زبان سغدی، مطالعات مانوی را نیز در برداشت که برای استفاده از آن، درخواست بورس کردم. پس از ثبت نام و دادن امتحان در دانشگاه پنسیلوانیا پذیرفته شدم که دانشگاهی کاملاً سستی در رابطه با متون شرقی بود، اما زندگی در امریکا بسیار برایم سخت بود و شاید اگر این امکان در ایران برایم مهیا می‌گردید، بهتر بود.

- شما اشاره به کشف متونی در چین کردید، علت وجود این متون در چین چه بود؟

- منابع یافت‌شده تنها به زبان سغدی نبود، بلکه دیگر زبان‌های پارسی باستان را نیز در برداشت که همه مربوط به دین مانوی بود. بعضی از این متون توسط اروپایی‌ها خوانده شده بود (فارسی میانه یا پارتی که از قبل شناخته شده بود) با تطابق این خطوط شناخته شده خط سغدی نیز خوانده شد. بنابراین برای مطالعه کامل این زبان حتی لازم شد که خطوط قبطی و یونانی نیز بازبینی شود، زیرا تعدادی از متون یافت‌شده به این زبان‌ها نگاشته شده بود.

دلیل کشف این متون در چین مهاجرت گروهی از مانویان یا زرتشتیان پس از حمله اعراب به ایران به سمت شرق بود. آنها در طول جاده ابریشم و در آسیای میانه مستقر شده و زبان آنها در طول مدت مهاجرت‌نشینی مورد استفاده این راه گردیده بود و به نوعی راهی سغدی ایجاد کرده بودند.

- در طول جاده ابریشم غیر از زبان سغدی، آیا فرهنگ ایرانی نیز مهاجرت کرد یا آنها در فرهنگ موجود در آسیای میانه حل شدند؟
- زبان سغدی به نوعی ایرانی بود. فرهنگ ایشان هم الهام‌گرفته از فرهنگ اشکانی و ساسانی و هندی و مخلوطی از فرهنگ‌های بزرگ به شمار می‌آمد که با فرهنگ آسیای میانه و چین درآمیخت. بی‌شک هنر چینی و فناوری آنها نیز در تمدن سغدی‌ها وارد شد.

- شروع این مهاجرت از نظر تاریخ در چه زمانی است؟

- مشکل است این تاریخ را مشخص کرد اما قدیمی‌ترین متن که به نام «نامه‌های باستانی سغدی» است و از چین به ما رسیده است، دارای دو تاریخ ۱۹۰ و ۳۱۱ یعنی اواخر قرن دوم و اوایل قرن

چهارم است که از چین به سمرقند فرستاده شده است، اما این مدارک در میان راه مفقوده شده و بعدها در خرابه‌های یکی از دیواره‌های برج‌های دیوار چین یافت شده است. البته خبر کشف آن، زمانی که در امریکا دانشجو بودم به من رسید.

- سغدی‌ها چه مذهبی داشتند؟

- آنها پیغام‌بر و الهام‌بخش ادیان مختلفی بودند که داشتند، عده‌ای بودایی شده بودند و پیام دین بودا را می‌رساندند و عده‌ای که از مرکز ایران رفته بودند، مانوی بودند و عده‌ای هم مسیحی نشطوری بودند که از شمال مهاجرت کرده بودند. پس در مجموع، تفکر دینی یکسانی نداشتند.

- به نظر می‌رسد مذهب خیلی در تفکرات آنها اثر نداشته است؟

- برای این است که یک گروه نبودند و متون آنها که بیشتر سریانی است نیز بر این مسأله تأکید دارد که زبان، منشأ یک‌دست بودن این قوم بوده است نه مذهب.

- یکی از کتاب‌هایی که شما نگاشته‌اید در رابطه با بوداست. علت

انتخاب این موضوع چه بود؟

- بیشتر متون سغدی‌ها را مطالب مربوط به بودا در بردارد و به دلیل آنکه این متون بودایی در غاری پیدا شد که کم‌ترین آسیب را طی این چند قرن دیده بود، در مرز چین که به غارهای مزار بودا مشهور است و این متون به صورت مخفیانه در مکانی که در آن طاقچه‌هایی وجود داشته، نگهداری و حفظ شده بود. در مرکز این

مکان مجسمه بودای بزرگی بود که مجسمه‌های بودای کوچک‌تری نیز در اطراف آن چیده شده بود.

در این غار، گنجینه این متون به وسیله جرز کوچکی سد شده بود و در اوایل قرن ۲۰ قسمتی از آجرهای دیواره حائل فرو می‌ریزد و این گنجینه که به صورت کتابخانه‌ای بود، نمایان می‌شود. از آنجا طومارهایی به زبان‌های سغدی، پهلوی، هندی و چینی و دیگر زبان‌هایی که در هند و چین و آسیای میانه بود، یافت شد. این متون یک انقلاب واقعی به‌خصوص برای زبان‌های ایرانی بود.

- در بخشی از مطالعات شما به داستان اصحاب کهف و اختلافات موجود در متن آن با آنچه ما در دسترس داریم، اشاره شده است. ممکن است در این باره توضیح دهید.

- اصل متن اصحاب کهف به چند شکل مختلف وجود دارد. مثلاً در متون سریانی و یونانی بین اکثر دانشمندان نیز درباره صحت آنها ستیزه وجود دارد که آیا متون یونانی قدیمی‌تر است یا سریانی؟ به همین جهت چند روایت وجود دارد که در اسلام از مجموعه روایت‌ها استفاده شده و چیزی هم خودشان به آن اضافه کرده‌اند. مثلاً حضور یک سگ در میان آنها در اسلام اضافه شده است.

- طرح تدوین «واژه‌نامه زبان فارسی باستان» در چه مرحله‌ای است؟

- طرح واژه‌نامه را من مدیریت می‌کردم که توسط چند نفر پژوهشگر اجرا می‌شد و با این که برای من اجرای ساده‌ای بود اما این که در این طرح هر واژه را باید شاهی باشد و هر نوع فعلی

که در ارتباط با آن است باید آورده شود و به این شکل بتواند تمام کتیبه‌ها را پوشش دهد. این کار تقریباً به اتمام رسیده و من به علت خستگی ترجیح داده‌ام که فعلاً تنها به متون سغدی که مورد علاقه‌ام است، بپردازم.

- ارزیابی شما از فرهنگستان و فعالیت در آن چیست؟

- من از آن رضایت دارم و امکانات خوبی در اختیار می‌گذارند. پژوهشگران خوبی هم در آنجا فعالیت می‌کنند. هرچند منابع سغدی که خودم در اختیار دارم از فرهنگستان بیشتر است و مطالعه این زبان در آنجا کمی دشوار است.

- تا به حال در متون سغدی به داستانی که جنبه اجتماعی و مردمی نیز داشته باشد برخورد کرده‌اید؟

- داستانی که ترجمه کردم در رابطه با تولد بودا بود که در مورد شاهزاده‌ای است که از پادشاهی دست می‌کشد و همه چیز خود را نیز می‌بخشد. به علت اینکه فیل ارزشمندی را که نباید در زمره بخشش‌ها به حساب می‌آورده نیز بخشیده، مجبور به تبعید و ترک خانه و کاشانه می‌شود. داستان این وقایع بسیار خواندنی است. اما این داستانی مردمی و اجتماعی نیست و بیشتر تاریخی است. بودا نیز به علت فلسفه‌ای که دارد تنها یک بودا نیست و پس از مرگ به بودایی دیگر تبدیل می‌شود. بنابراین تولدهای مختلفی دارد و ممکن است حتی در جایی حیوان بوده باشد. مثلاً یک فیل.

- منظور همان تفکر تناسخ است؟

بله، در جایی او فیل بوده است که داستانی فداکارانه نیز دارد که معشوق از عاشق، عاج فیلی را طلب می‌کند که دست یافتن به آن بسیار مشکل بوده است و عاشق به این جهت جان خود را از دست می‌دهد تا معشوق به دلخواه برسد. از این نمونه داستان‌ها بسیار است که البته در زمره داستان‌های اصلی بودا به حساب نمی‌آید و فرعی است.

- به نظر می‌رسد امکان گردآوری مجموعه‌ای به شکل داستان نگاری از متون سغدی بسیار است؟

- بله. بودا در جایگاه خود حسی بسیار عدالت‌گرایانه و پُرمحبت داشته است و هر که هر چه از او می‌خواسته می‌داده است، حتی به جایی می‌رسد که بچه‌هایش را نیز می‌بخشد.

- تعریف شما از دانش زبان‌شناسی چیست؟

- زبان‌شناسی در رابطه با زبان که محتوایی زنده است و ساختاری را نیز در بردارد، صحبت می‌کند. ساختار فیزیکی آن از قسمت‌های مختلف مربوط به آن صحبت می‌کند. مثلاً از صداها و اشکال مختلف آن که مفهوم آواشناسی را در بردارد. قسمت دیگر مورد بحث در رابطه با در کنار هم قرار گرفتن کلمات و ساخت سخن است که چگونه باید باشد و آن ساختار اسم و فعل است و اینکه در جایگاه جمله به چه صورت قرار گیرد که مرفولوژی (کار با واژه‌ها) و سینتاکس (ترکیب) از آن نشأت گرفته است.

- از میان آثار خود از نظر محتوا و اجرا کدام را بیشتر می‌پسندید؟ پایان‌نامه شما در رابطه با ساختار فعل و اجرای قواعد زبان بوده است، اما شما در شعر نیز دست دارید و طبیعی است که یک شاعر یک اثر از میان آثار خود را بیشتر دوست داشته باشد.

- معمولاً مقالاتی را که درباره تطبیق دو موضوع مختلف نسبت به هم هستند و بیشتر در آن امکان بدعت و نوآوری است، ترجیح می‌دهم. حتی در کار با واژه‌ها اگر بتوان ارتباط واژه‌ای را با دیگر واژه‌ها یافت که مربوط به زبان دیگری است و مطلبی جدید یافت، مانند نقاشی که طرحی نو در می‌افکند و به نوعی خلق اثر می‌کند، مطمئناً جذابیت بیشتری دارد و خستگی را از تن بیرون می‌کند. برای مثال سال‌ها پیش در مورد روزهای هفته کار می‌کردم. چون مانوی‌ها روزه می‌گرفتند و روزهای هفته برای‌شان مهم بود. آنها برای روزهای هفته اسم گذاشته بودند. البته نه مثل اسامی ایزدان زرتشتی. مانوی‌ها روز دوشنبه را که روز مرگ مانی و مقدس بود، روزه می‌گرفتند. در حین مطالعات متوجه شدم که این هفت روز دقیقاً از نظر نام‌گذاری با روزهای هفته اروپا مطابقت دارد. مثلاً یکشنبه را مانوی‌ها روز آفتاب و دوشنبه را روز ماه می‌گفتند. این‌ها اسامی هفت ستاره بود که در هفت پیکر نظامی نیز به آن اشاره شده است.

- آیا از مجموع فعالیت‌هایی که انجام داده‌اید رضایت دارید؟
- بله، بسیار راضی هستم. با اینکه جوایز بسیاری گرفته‌ام و زیاد تشویق شدم، اما نباید از نظر دور داشت که بسیار هم زحمت کشیدم. هرچند اگر امروزه این کار انجام شود، زحمت و وقت

کمتری دارد. (به علت وجود کامپیوتر). در رابطه با فرهنگ سغدی باید سفرهایی را برای اخذ متون انجام می‌دادم، سپس آنها را ترجمه می‌کردم و واژه‌های جدا شده را، ساختار و ویژگی دستوری و ریشه‌ای و ارتباط با دیگر واژه‌ها را کشف می‌کردم. هرچند فرهنگ سغدی تقریباً کامل است، اما من شاهد برای واژه‌ها نگذاشته‌ام. به این معنی که هر واژه را در جمله‌ای بگنجانم، چون بسیار وقت می‌برد و امیدوارم در آینده افرادی این قسمت را نیز کامل کنند چون فکر نمی‌کنم خودم دیگر بتوانم از عهده این کار برآیم و در حال حاضر تنها به نوشتن مقاله اکتفا می‌کنم.

- در دوران مطالعه و تحقیق چه مشکلاتی داشتید؟

- مشکلات بسیار بود. مخصوصاً در دوران تحصیل در امریکا. خو گرفتن با فرهنگ سرزمین دیگر و حتی اجرای فعالیت‌های علمی در آنجا که بسیار با شیوه اجرایی مرسوم در ایران تفاوت داشت. بهترین قسمت آن آشنایی با افراد جدیدی بود که به من در کار کمک کردند. من دوستان بسیار خوبی نیز پیدا کردم که در سفرها مرا همراهی می‌کردند.

- با تشکر از شما، در خاتمه اگر صحبتی با دوستان این عرصه دارید، بفرمایید؟

- این رشته آسان نیست و انسان در آن زود به بهره‌وری نمی‌رسد، هر چند من با وجود خستگی بسیار راضی هستم. امکانات کشور برای تحصیل در این رشته تقریباً مناسب است. اما

باید با خارج از کشور نیز ارتباط داشت. امروزه، دانشجویان چندان رغبتی به مطالعه در این حوزه ندارند و آن را کار شاقی نمی‌دانند. علاقه شرط لازم است و باید سختی‌ها را از سر گذراند زیرا ارزش رسیدن به قله را دارد. من از یکی از این قله گذشته‌ام و آن را فتح کرده‌ام، اما بسیاری بوده‌اند که فاتح قله دیگر بوده‌اند و من از تجربیات آنها استفاده کرده‌ام و همیشه قدردان بوده‌ام و امیدوارم کسانی نیز از کار من استفاده کنند و این تجربه را از یاد نبرند.

اشعاری از دکتر بدرالزمان قریب (در مورد قهرمانان شاهنامه)

از قلّه‌های مهر چو باید گذر کنم
جان را به تیر آرش پیک سفر کنم
پروازم از به عرصهٔ سیمرغ ره برد
سر تا به پای توشه‌ره بال و پر کنم
چون جام جم در آینه‌ام فرّ ایزد است
دورش ز دست اهرمن حیل‌گر کنم
چون کاوه پرچم از دل خونبار برکشم
تا پای کوه مهر فریدون خبر کنم
رُستم نی‌ام که با پر سیمرغ چاره‌جو
تیری به چشم حادثهٔ کینه‌ور کنم
گر نوشدارو آم نرسانی ز مهر دوست
زین زخم آشناده جان را هدر کنم

آتشکده است سینه و جاوید آتشم
 با گرمی نگاه تو آتش تیزتر کنم
 آن قطره ام که گم شده از دست ابر غم
 ترسم به دیده آیم و نقش تو تر کنم
 گفتم چگونه بگذری از رهگذار عشق
 گفتا سیاوشم دل و ز آتش گذر کنم
 گفتم هزار فتنه به راهت نهفته، گفت
 کی خسرو ام به پای خود این راه سر کنم
 گفتمی که خاک زر شود از کیمیای عشق
 «آری به یمن همت این خاک زر کنم»

پاییز

آخرین جلوه فصل پاییز
 پنجه خون نشان چنار است
 دلفریب این نگار پُر از رنگ
 آبرویش ز خون بهار است

زلف زرتار را بید مجنون
 ریخته تا به زانو به صد ناز
 با سرانگشت باد خزانگی
 تار زر یک به یک می کند باز

می‌نوازد به سازی فسونگر
بباد در ارغنون صنوبر
سگه‌های زرش افتد از دست
تا به رقص آورد گردن و سر

نارون‌پیکری لخت و بی‌حال
همچو مرغی فکنده پر و بال
با نگاهی پُر از درد بیند
تاج نوروژی‌اش گشته پامال

سیب و امروء، گیلان و گردو
برگ‌ها نقش رنگین‌کمان‌ها
زرد و نارنجی و سرخ و سبزند
در کفِ باد چون بادبان‌ها

کاج و سروند سرسبز و دلشاد
از غم آذر و بهمن آزاد
جامه سوزنی‌شان به اندام
سوز سرما در آن کی کند یاد

باغ نقاش مهر و آبان است
نقش‌پرداز رنگ خزان است

کشتی ابر بر سینه کوه
اشک‌دان غم آسمان است

برگ‌ها مرغکانی به پرواز
تیر سرما به پرها نشسته
یک به یک خسته افتند بر خاک
زیر پا استخوان‌ها شکسته

برف بر دامن کوهساران
پی‌ری سال را دارد اعلام
این نماد سفید زمستان
آرد از پی‌ری سال پیغام

آسمان با غمی گنگ لبریز
اشک می‌ریزد از مرگ پاییز
مرگ هر برگ بر شاخساران
قصه غصه‌ای حیرت‌انگیز

پنجه خون‌نشان چنار است
آخرین نامه برگ‌ریزان
با دلم هم‌صدایی نماید
تک‌نوازی هر قطره باران

بیستون؛ ای کوه سرفراز

میراث پُر بهای کهن ایران
تاریخ نقش بسته به سنگستان
ای یادگار خوب پدرهامان
نقشی به سینه داری از آن دوران

جای خدای حک شده در نامت
می بینم استواری اندامت
بر چهره فراخ تو چندین زخم
آورده تازیانه ایامت

تو بیستون نه ای که ستون هایت
تصویری از گذشته پیروزی است
این زخم ها که بر سر و رو داری
آینه زمان سیه روزی است

گرچه نشانه های پُر از رمزت
آماج فتنه ها شد و یغماها
در چیستان گم شده تاریخ
گشتی گره گشای معماها

بار امانتی که زمانت داد
بیش از دو صد سده به نگهبانی

حک کردیش به سینه و پیشانی
ایین اولین نوشتۀ ایرانی

این ناله‌ها که از دل تو خیزد
اشک ستارگان به رُخت ریزد
باشد ز چاه بی‌خبری‌ها مان
یک قطره نم ز مهر برانگیزد

ترسم گزند تیغ زمستان‌ها
سیلی باد و سوزن باران‌ها
از دشمنان، شرارهٔ بهتان‌ها
از ناکسان، شماتت پیکان‌ها

این گنج بی‌مثال رَوَد از یادت
سبیل زمانه بَرکنَدَت بنیاد
زان خار و خس که می‌خورد اندامت
این پُر بها دفینه، دهد بر باد

تندیس تو نگارهٔ یادافروز
افتد به پرتگاه فراموشی
آهنگ پُرخروش جهانگیرت
گیرد نوای پردهٔ خاموشی

سال شمار علمی دکتر بدرالزمان قریب

- ۱۳۰۸ تولد در تهران. دبستان و دبیرستان
قسمتی در مدرسه منوچهری
- ۱۳۳۳ ورود به دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات،
رشته ادبیات فارسی
- ۱۳۳۶ اخذ لیسانس ادبیات فارسی با رتبه اول و
آغاز دوره دکتری
- ۱۳۳۸ بعد از یک سال تحصیل در دوره دکتری،
استفاده از محضر استادان و اخذ چند
شهادت‌نامه، موفق به گرفتن بورس از
دانشگاه پنسیلوانیای امریکا
- ۱۳۳۹-۱۳۳۸ (۱۹۵۸) آغاز تحصیل و پژوهش در رشته زبان‌های
شرقی دانشگاه پنسیلوانیا، دانشکده
کارشناسی‌ارشد علوم انسانی، با توجه
ویژه به زبان‌های باستانی ایرانی و
سنسکریت (استادان: مارک درسدن و
نرمان براون) و دروس آغازی زبان‌شناسی

- ۱۳۴۰ (۱۹۶۰) اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه پنسیلوانیا (تمام شدن دوره بورس)
 ۱۳۴۰ (۱۹۶۰-۶۱) انتقال به دانشگاه میشیگان (آن اربور)، مسئول کار ترجمه برای پرداخت شهریۀ دانشگاه و استفاده از دروس زبان‌شناسی و زبان‌شناسی تطبیقی
 ۴۳-۱۳۴۱ (۱۹۶۱-۶۳) انتقال به دانشگاه برکلی کالیفرنیا برای استفاده از محضر استاد هنینگ که همان سال در لندن به آنجا منتقل شده بود. دو سال پژوهش فشرده زبان‌های ایرانی، باستان، میانه، سنسکریت (ودا) و زبان‌شناسی هندواروپایی
 ۴۳-۱۳۴۲ (۱۹۶۳-۶۵) بازگشت به دانشگاه پنسیلوانیا برای تکمیل پایان‌نامۀ دکتری «ساختار نظام فعل در زبان سغدی» به راهنمایی دکتر مارک درسدن
 ۱۳۴۶-۱۹۶۵) اخذ مدرک دکتری از دانشگاه پنسیلوانیای امریکا
 ۱۳۵۰-۱۳۴۴ استخدام با عنوان استادیار در دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی شیراز، اخذ رتبه دانشیاری
 ۱۳۴۸ اخذ رتبه دانشیاری
 ۴۹-۱۳۴۸ (۱۹۶۹-۷۰) استاد مدعو در دانشگاه یوتا و محقق در

- دانشگاه هاروارد امریکا و استفاده از
سمینار دکتر ریچارد فرای
بازگشت به دانشگاه پهلوی و انتقال به
دانشگاه تهران، گروه زبان‌شناسی همگانی
و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات
تدریس زبان‌های ایرانی باستان و میانه،
مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری در گروه
فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشکده
ادبیات دانشگاه تهران
۱۳۷۴ اخذ رتبه استادی از دانشگاه تهران
۱۳۸۱ بازنشستگی از دانشگاه تهران
۱۳۷۷ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب
فارسی
۱۳۷۸ مدیر گروه گویش‌شناسی فرهنگستان
زبان و ادب فارسی
۱۳۸۳ مدیر گروه زبان‌های ایرانی و سرپرست
طرح فرهنگ واژگان فارسی باستان
۱۳۸۵ عضو شورای عالی علمی مرکز
دایرةالمعارف اسلام
۱۳۸۶ عضو افتخاری انجمن ایران‌شناسی اروپا
- تألیفات
۱۳۶۵ زبان‌های خاموش: یوهانس فریدریش، ترجمه به

- همراه دکتر یدالله ثمره، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تجدید چاپ ۱۳۶۸.
- ۱۳۷۱ و سَنَتَرَه جَانْگَه، داستان تولد بودا به روایت سغدی، تهران: نشر چشمه؛ بابل: نشر آویشن.
- ۱۳۷۴ فرهنگ سغدی، سغدی - فارسی - انگلیسی، تهران: فرهیختگان. تجدید چاپ ۱۳۸۳.
- ۱۳۸۴ تجدید چاپ و سَنَتَرَه جَانْگَه، با نام روایتی از تولد بودا، همراه با متن آوانوشت سغدی امیل بنونیست، تهران: نشر اسطوره.
- ۱۳۸۶ مطالعات سغدی (مجموعه مقالات)، به کوشش محمد شکری فومشی، تهران: طهوری.
- ۱۳۸۶ پژوهش‌های ایرانی باستان و میانه (مجموعه مقالات)، به کوشش محمد شکری فومشی، تهران: طهوری.

۱. مقالات فارسی^۱

۱.۱. فارسی باستان و میانه

- ۱.۱.۱. «کتابت جدید خُشیارشا»، نشریه انجمن ایران باستان، س ۵، ش ۱، ۱۳۴۶، ص ۳۱-۱۴.
- ۲.۱.۱. «کتابت تازه‌یافته خط میخی منسوب به خُشیارشا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۶، ش ۱-۲، ۱۳۴۷، ص ۲۸-۱.

۱. پژوهش‌های ایرانی باستان و میانه، مجموعه مقالات از بدرالزمان قریب، به کوشش محمد شکری فومشی، تهران: طهوری، ۱۳۸۶.

- ۳.۱.۱. «ماهیار نوابی و سنگ‌نبشته بغستان (بیستون)»، در یادنامه دکتر ماهیار نوابی منتشر خواهد شد.
- ۴.۱.۱. «آپادانا: ایوان»، جشن‌نامه استاد دکتر محمد خوانساری، به کوشش فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زیر نظر حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، ۱۳۸۴، ص ۴۴۷-۴۳۷.
- ۵.۱.۱. «کتابه‌ای به خط پهلوی در چین»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۴، ۴۶-۱۳۴۵، ص ۷۶-۷۰.

۲.۱. دستور تاریخی و گویش

- ۱.۲.۱. «تأثیر قانون بارتلمه بر ساختار فعل‌های زبان فارسی»، زبان‌های ایرانی (ضمیمه نامه فرهنگستان)، ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۴-۲۵.

- ۲.۲.۱. «تحول وجه تمنایی به ماضی استمراری در زبان‌های ایرانی»، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به کوشش علی‌اشرف صادقی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۷۸-۲۴۵.

- ۳.۲.۱. «تاریخچه گویش‌شناسی در ایران»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، به کوشش حسن رضایی باغبیدی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۸۴-۴۷۳.

۳.۱. مانویت

- ۱.۳.۱. «سخنی درباره منوهمد روشن (بهمن روشن)»، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۴، شماره پیاپی ۸، ۱۳۷۵، ص ۱۶-۶.

۲.۳.۱. «هفته در ایران قدیم. پژوهشی در هفت پیکر نظامی و نوشته‌های مانوی»، نامه فرهنگستان، س ۳، ش ۴، شماره پیاپی ۱۲، ۱۳۷۶، ص ۱۱-۳۹.

۳.۳.۱. «خدای دین مزدیسنان در یک متن مانوی»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۲، شماره پیاپی ۱۴، ۱۳۷۷، ص ۲۱-۲۶.

۴.۳.۱. «عدد پنج در اسطوره مانی»، سروش پیرمغان، یادنامه جمشید سروشیان، به کوشش کتیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱.

۴.۱. به بهانه جشن و سفر

۱.۴.۱. «نوروز؛ جشن بازگشت به زندگی، جشن آفرینش و جشن تجلی عناصر فرهنگ مدنی»، مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز، تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۹-۷۲.

۱.۴.۲. «سفر علمی سن‌پترزبورگ (۲۹ اردیبهشت - ۸ خرداد ۱۳۸۲/۱۹-۲۹ مه ۲۰۰۳)»، نامه فرهنگستان، س ۶، ش ۲، شماره پیاپی ۲۲، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷-۲۲۷.

2. English Articles

2.1. Old Persian

A Newly Found Old Persian Inscription

Iranica Antiqua VIII, 1968, pp. 54-69.

2.2. Manichaeism

The Importance of the Numbers in Manichaean Mythology (1)

Nāme-ye Irān-e Bāstān, 1/2 2001-2002, pp. 15-23.

فهرست سخنرانی‌هایی که بعد از ۱۹۹۰ ارائه شده است:

۱. سی و سومین کنگره بین‌المللی مطالعات آسیایی و شمال آفریقا (ICANAS)، تورنتو (کانادا)، ۱۹۹۰، با مقاله «آیا واژه فارسی

"کشاورز" دخیل از سغدی است؟» که به زبان فرانسه در مجله مطالعات ایرانی / *Studia Iranica* (۱۹۹۴، جلد ۲۳، ۱۳۳-۱۳۱) و ترجمه فارسی آن به قلم زهره زرشناس در نامه فرهنگستان ۱۶ (۱۳۷۷) منتشر شد.

۲. سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات ایرانی اروپا، کمبریج (انگلستان)، ۱۹۹۵، با مقاله «معرفی فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)».

۳. کنگره بین‌المللی نقش فرهنگ ایرانی در جاده ابریشم، اصفهان (ایران)، ۱۳۷۵/۱۹۹۶، با مقاله «سغدی‌ها و جاده ابریشم»، منتشر شده در *ایران‌شناخت* ۵ (۱۳۷۶).

۴. چهارمین کنگره بین‌المللی مطالعات مانوی، برلین (آلمان)، ۱۹۷۷، با مقاله «پرتوی نو بر دو واژه در نسخه سغدی "بهشت نور یا سرزمین روشنی"»، ترجمه فارسی به قلم ابوالحسن تهامی در *زبان‌های ایرانی* ۱ (۱۳۸۴).

۵. کنگره بین‌المللی مطالعات آسیایی و شمال آفریقا، بوداپست (مجارستان)، ۱۹۹۷، با مقاله «پژوهشی درباره واژه‌های دخیل سغدی در زبان فارسی».

۶. چهارمین کنفرانس بین‌المللی انجمن ایران‌شناسان اروپایی، پاریس (فرانسه)، ۱۹۹۹، با مقاله «هفته سیاره‌ای در متون ایرانی».

۷. سی و پنجمین کنگره بین‌المللی مطالعات آسیایی و شمال آفریقا، مونترال (کانادا)، ۲۰۰۰، با مقاله «اهمیت اعداد در اسطوره مانوی»، به انگلیسی منتشر شده در *نامه ایران باستان* ۱/۲ (۱۳۸۰).

۸. کنفرانس بین‌المللی «بازدید از تورفان»، برلین (آلمان)، ۲۰۰۲،
با مقاله «خرد در دین زرتشتی و مانوی».
۹. پنجمین کنفرانس بین‌المللی انجمن ایران‌شناسان اروپایی،
راونا (ایتالیا)، ۲۰۰۳، با مقاله «گذشته نقلی و بعید متعدی در سغدی
و شباهت آنها با برخی از گویش‌های ایرانی نو»، ترجمه فارسی به
قلم میترا فریدی در گویش‌شناسی ۲/۱ (۱۳۸۳).
۱۰. شرکت در دو همایش بنیاد ایران‌شناسی در ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳
با ارائه دو سخنرانی «قرن بیستم: تولد دوباره زبان‌های ایرانی میانه
شرقی و تحول پژوهش در زبان‌های ایرانی میانه غربی» (۱۳۸۱) و
«مستندسازی از پیام داریوش در بیستون و بررسی متن فارسی
باستان»، با مشارکت دکتر محمود ذوالفقاری (۱۳۸۳) - تحلیل متن
فارسی باستان از روی آخرین تصویرهای فتوگرامتری تهیه شده
توسط این دانشمند نقشه‌شناس - و یک سخنرانی در همایش «لوح
تا لوح» با عنوان «تکوین خط میخی فارسی باستان» (۱۳۸۴) و در
همایش فارس‌شناسی شیراز با مقاله «پیام داریوش در کتیبه آرامگاه
DNb»، اردیبهشت ۱۳۸۴.

عضویت در چند مجمع علمی داخلی و خارجی

۱. انجمن آسیایی (Société Asiatique)، پاریس، از سال ۱۹۶۹
تا ۱۹۷۹.
۲. انجمن بین‌المللی دست‌نوشته‌ها و کتیبه‌های ایرانی (Corpus
Inscriptionum Iranicarum) لندن از سال ۱۹۹۶ تاکنون.

۳. انجمن ایران‌شناسان اروپایی (Societas Iranologica Europeas)، از سال ۱۹۹۶ تاکنون.
۴. فرهنگستان زبان و ادب فارسی (عضویت پیوسته)، تهران، از سال ۱۳۷۷ تاکنون.
۵. شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، از سال ۱۳۸۴ تاکنون.

۴۰ سال با سمت‌ها و عناوین متعدد تحت عنوان خدمت به فرهنگ ایران باستان

۱. استادیار و دانشیار در دانشگاه پهلوی شیراز (۱۳۵۰-۱۳۴۴):
و دانشیار و آنگاه استاد در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۱۳۸۲-۱۳۵۰).
۲. محقق در بنیاد فرهنگ ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۱).
۳. پژوهشگر و استاد مدعو در دانشگاه یوتا و هاروارد امریکا (۷۰-۱۹۶۹ / ۴۹-۱۳۴۸).
۴. مدیر گروه گویش‌شناسی (از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱) و مدیر گروه زبان‌های ایرانی (از سال ۱۳۸۳ تاکنون) فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۵. مدیر و سرپرست پروژه فرهنگ واژگان فارسی باستان، اجرا در فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۱. مقالات فارسی^۱

۱.۱. تاریخ و فرهنگ

- ۱.۱.۱. «سغدی‌ها: آسیای میانه و جاده ابریشم»، یاد یار، ج ۱، به کوشش مسعود مهرابی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۱-۱؛ ایران‌شناخت، ش ۵، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱-۲۴۶.
- ۱.۱.۲. «سغدی‌ها و گسترش فرهنگ ایرانی»، سخنواره، به کوشش ایرج افشار؛ هانس روبرت رویمر، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۳۱-۶۱۷.

۱.۲. زبان: دستور و ریشه‌شناسی

- ۱.۲.۱. «دستگاه صوتی زبان سغدی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۰، ش ۱ (۱۳۷۲)، ص ۵۴-۲.
- ۱.۲.۲. «نظام فعل در زبان سغدی»، بخشی از مقدمه کتاب فرهنگ سغدی، تهران، ۱۳۷۴، ص بیست و نه - سی و دو.
- ۱.۲.۳. «صرف اسم در زبان سغدی»، مجله زبان‌شناسی، س ۷، ش ۱ (۱۳۶۹)، ص ۸۹-۱۰۴.
- ۱.۲.۴. «قانون هم‌وزنی مصوت‌ها در زبان سغدی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۳، ش ۴ (۱۳۵۵)، ص ۱۳۰-۱۲۰.

۱. مطالعات سغدی، مجموعه مقالات بدرالزمان قریب، به کوشش محمد شکری فومشی، تهران: طهوری، ۱۳۸۶.

- ۵.۲.۱. «گذشته نقلی و بعید متعددی در سغدی و شباهت آنها با برخی از گویش‌های ایرانی نو»، گویش‌شناسی (ضمیمه نامه فرهنگستان)، ج ۱، ش ۲ (۱۳۸۳)، ص ۵۴-۶۵.
- ۶.۲.۱. «واژه فارسی کشاورز»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۴ (۱۳۷۷)، ص ۱۶۶-۱۶۱.

۳.۱. دین و اساطیر

- ۱.۳.۱. «رستم و روایات سغدی»، شاهنامه‌شناسی (۱)، تهران، ۱۳۵۷، ص ۴۴-۵۳.
- ۲.۳.۱. «بهشت نور بر پرچم سفید»، یاد بهار، ویراسته علی‌محمد حق‌شناس؛ کتابیون مزداپور؛ مهشید میرفخرایی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۷۵-۳۷۲.
- ۴.۳.۱. «رفع ابهام از دو واژه در نسخه سغدی بهشت روشنایی یا اقلیم روشنایی»، زبان‌های ایرانی (ضمیمه نامه فرهنگستان)، ج ۱، ش ۱ (۱۳۸۴)، ص ۹۷-۱۰۹.
- ۵.۳.۱. «طلسم باران از یک متن سغدی»، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، س ۷، ش ۱ (۱۳۴۸)، ص ۲۴-۱۲.
- ۶.۳.۱. «خفتگان افسوس (اصحاب کهف) به روایت سغدی»، محقق‌نامه، ج ۲، به اهتمام بهاء‌الدین خرمشاهی؛ جویا جهان‌بخش، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱۹-۱۰۱۵.
- ۷.۳.۱. «روزه در متون سغدی».

2. English Articles

2.1. Language: Materials, Ethymology and Grammar

2.1.1. Source Materials on Sogdiana,

Bulletin of the Iranian Culture Foundation 1/1, 1969, pp. 65-81.

2.1.2. Old Iranian Roots *gauz-* and *gaud* – in Sogdian, *Acta Iranica* 4, 1975, 297-307.

2.1.3. Sogdian Negative and Privative Prefixes, *Iranica Selecta* ed. A. V. Tongerloo, 2003, 73-77.

1) "The Shift of Optative Mood (Formation) to Durative Preterite in Some Iranian Languages", *Indogermanica. Festschrift Gert Klingenschmitt*, herausgegeben von Gunter Schweiger, Taimering, 2005, pp. 145-154.

۱. «زبان‌ها و گویش‌های ایرانی و سیر تحولی آنها تا دوره جدید»، گفتارهایی دربارهٔ زبان و هویت، به اهتمام حسن گودرزی، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۴، ص ۷۵-۹۸.

۲. «بردن (-bar) و آوردن (-ā-bār) در فارسی باستان»، جشن‌نامه استاد اسماعیل سعادت، زیر نظر حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۵-۴۲۱.

۳. «بررسی متن فارسی باستان سنگ‌نوشته بیستون بر اساس مستندسازی جدید».

۴. «عناصر زردشتی در متون ایرانی میانه شرقی»، جشن‌نامه استاد دکتر محمدعلی موحد، زیر نظر حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۵-۳۰۰.

۵. «خط میخی فارسی باستان»، نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی، زیر نظر حسن حبیبی، به کوشش حسن حبیبی، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵-۴۶۲.

جایزه‌ها و تقدیرنامه‌ها

- ۱۳۶۶ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای ترجمه کتاب *زبان‌های خاموش* به اتفاق دکتر یدالله ثمره
- ۱۳۷۵ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای تألیف *فرهنگ سغدی*
- ۱۳۷۵ جایزه کتاب سال سازمان میراث فرهنگی برای تألیف *فرهنگ سغدی*
- ۱۳۷۷ نكوداشت از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دریافت جایزه نشان انجمن
- ۱۳۸۱ برگزیده به عنوان چهره ماندگار از سوی دفتر همایش چهره‌های ماندگار سازمان صدا و سیما، تعدادی تقدیرنامه از طرف دانشگاه تهران، سازمان میراث فرهنگی، بنیاد ایران‌شناسی، انجمن زبان‌شناسی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و بنیاد بیستون.